

این صفحه پیام‌ها، متن‌ها، عکس‌نوشت‌ها و خبرهای کوتاه منتشر شده در فضای مجازی را باز نشر می‌دهد. تلاش بر این است که دیدگاه‌ها و نظرات کاربران اندیشمند شبکه‌های اجتماعی در عرصه مکتوب هم دیده شود.



۲ نگاه متفاوت درباره مرگ

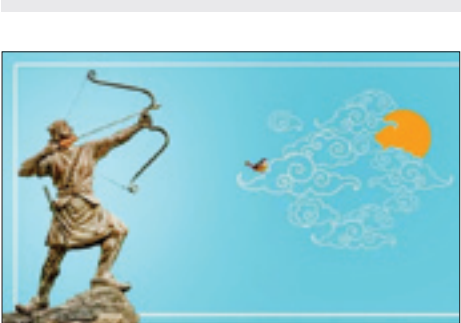
آیت‌الله جوادی آملی:

حرفی که جناب خیام گفته که: «جان قصد رحیل کرد گفتم که مرو! گفتا چه کنم خانه فرو می‌آید»، این شعر منسوب به خیام است _ که در دوران پیری بدن می‌خواهد برود. انسان علاقه‌مند است که بماند، به او می‌گوید که نرو! این روح می‌گوید که چه کنم، این خانه دارد فرو می‌آید، بدن دیگر نمی‌کشد، من دیگر اینجانی توانم بمانم!

مرحوم صدر المتالیهین اینچور نیست که در برابر خیام بایستد، می‌فرماید:این مکتب، مکتب تائی نیست که چون بدن نمی‌کشد، روح خداحافظی می‌کند؛ بلکه روح جای دیگری یک خانه جدید ساخت، به این بدن نمی‌پردازد، کاری به این بدن ندارد؛ این کم کم فرسوده می‌شود، فرصت اینکه این را تعمیر بکند ندارد، یا علاقه‌ای که این را تعمیر بکند ندارد. «خیلی فرق است» _ خیلی یعنی خیلی _ فاصله فکر صدر المتالیهین و خیام (خیلی) یعنی بین ارض و سما اختلاف است! (اگر آن شعر مال خیام باشد).

به هر تقدیر، انهایی که مادی فکر می‌کنند، می‌گویند بدن اصل است، روح تابع است؛ این بدن دیگر نمی‌کشد، او فاصله می‌گیرد. اما آنها که به «اصالت روح» قائل‌اند، می‌گویند این روح جای دیگر خانه ساخته، چه جهنم باشد او ساخته، چه بهشت باشد او ساخته؛ ولو نمی‌داند آن که ساخته خیلی سوخت‌وسوز دارد، ولی دیگر ساخته! به او علاقه‌مند است، چون کار اوست! اخلاص مال اوست، نجومی مال اوست؛ این کار می‌کند، چون به او علاقه‌مند است. حالا نمی‌داند این که ساخته خیلی سخت است، چون به او علاقه‌مند است، او را ساخته، حواسش پیش اوست. به این «بدن» نمی‌رسد، مثل خانه‌ای که کسی چند سال به آن سر نمی‌زند!

منبع: کانال تلگرامی «یت‌الله‌العظمی جوادی آملی(مدظله‌العالی)»



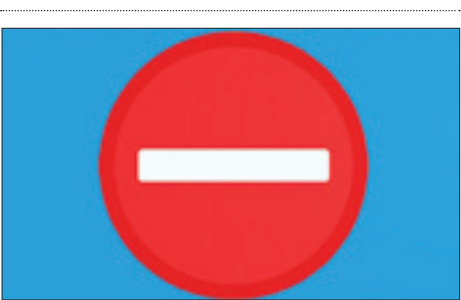
قهرمان ملی ایرانی‌ها در دستان جای دارد

سینا کلهر در توثیتی نوشت: از آرش تا آریوبرزن، از رژیسعلی دلواری تا جهان پهلوان قاسم سلیمانی، قهرمان‌های ملی همه ایرانی‌ها هستند و در قلب و جانشان جای دارند. شرایط میزبانی منطبق با همه قوانین و مقررات فیفا بوده و بارها توسط ناظران مختلف تأیید شده و تیم‌های خارجی متعددی هم در همین شرایط بازی کرده‌اند.



توحید بدون وحدت قابل تحقق نیست

فاطمه ترکشوند در توثیتی نوشت: تا حالا از این زاویه به وحدت نگاه کرده بودین؟ آقای تسخیری به مهر گفته: «کاشف‌الغطا می‌فرماید اندیشه اسلامی بر دو چیز بنا شده و آن، کلمه توحید و توحید کلمه، یعنی اول پرستش پروردگار بعد اصل اتحاد جامعه اسلامی» به‌نظرم این خیلی دید عمیقیه که «توحید بدون وحدت قابل تحقق نیست» بدم ما!..



در این مراسم شرکت نکنید!

کاربری بانام «همیم‌چیم» نوشت: در مراسم بازدید چهزیر شرکت نکنید.به اسم جهیم، همه وسایل عروس رویه نمایش گذاشته، ماچریم‌ریم تماشا!؟ اینکه فلانی باچه امکاناتی زندگی را شروع کند، چه ربطی به ما دارد.

برنامه اسرائیلی نزاع ایرانی-افغانی

مهدی محمدی در توثیتی نوشت: تزریق بیپرده همچان به شبکه‌های اجتماعی و تحریک خام احساسات درپاره مسئله مهاجران، آن هم از جانب کسانی کارشان فقط اظهارنظر هوایی درباره موضوعات «روی بورس» است، نه کمک به مدیریت مسئله، بلکه تکمیل برنامه اسرائیلی «نزاع ایرانی-افغانی» است. این همه رهاشدگی محیط رسانه‌ای سابقه ندارد.

بنج‌شنبه ۱۳ مهر ۱۴۰۲ | ۱۹ ربيع‌الاول ۱۴۴۵ |

گایربران

|| روزنامه جوان | شماره ۶۸۶۳ |



واکنش کاربران شبکه‌های اجتماعی به کمبود معلم در کشور

بچه‌ها منتظرند بشتایید!

این دانشگاه راهکارهای اصلی دانستند که باید به صورت فوری در دستور کار دولتمردان قرار گیرد تا سال‌های آینده نیز دچار این بحران نشویم. برخی از کاربران نیز از تأثیر این کمبود بر اقت کیفیت آموزشی نوشتند. در ادامه بخش‌هایی از واکنش‌های کاربران را مرور کرده‌ایم.

■ **علی اکبر شهبازی:**

در آموزش و پرورش امسال، کلاس‌های تا ۴۰ نفر تشکیل شده و اوضاع آموزش تو کلاسی بااین تعداد که حتی مشکل مازیک بر رگه امتحان برائش جدی است مشخصه. می‌بود! #وعده‌های_نافرجام

■ **م. صادقی:**

بارسیدن به نیمه مه‌رماه شاهد کلاس‌های خالی از معلم هستیم. کدام معلم؟ معلمی که در مراکز تربیت معلم، باید برای نیاز

اولیه‌اش که خوابگاه و فضای مناسب است، دغدغه داشته باشد؟؟ این است تربیت معلم؟ #وعده‌های_نافرجام

■ **حمید رفیعی:**

فراخواندن حدود ۱۰ هزار معلم شاغل در مدارس غیر دولتی، به کارگیری حدود ۱۰ هزار دانشجو معلم ورودی ۰۹۹، افزایش و پرداخت به‌هنگام حق‌التدریس راهکارهای موقت جبران کمبود نیروی انسانی است.

آقایان تدبیری کنید.

فردوسی: شاعر و بالاتر از شاعر



به اندیشه‌ای اهریمنی گرفتار شدد و فزّه ایزدی از دست داد و سسر از یزدان پیچید و ناسپاس شد! فردوسی با پشتوانه اندیشه ایرانی و توجه به جنگ همیشگی نور و تاریکی، پیش از آغاز دوره پادشاهی فریدون، لختی از تکیه بر منابع و بازگفت تاریخ‌بازمی‌یستد وافزون‌بر نمایاندن پایان کار فریدون، بر پایه باور و هویت دینی خود به مصداق آیه قرآن که می‌فرماید «فألهما فجورها وتقاها» (ما در نهاد انسان خیر و شر را قرار دادیم -انسان/ ۱۱) و به مانند این سخن مولانا که «در جهان دو بانگ می‌آید به‌شد/ تا کدامین

را تو باشی مستعد» فریدون شدن را جدا از تبار و نژاد ممکن می‌داند و می‌گوید: «تو داد و دهش کن فریدون تویی»، فردوسی عامل اصلی فریدون شدن را نه تبار و نژاد به‌تتهایی، بلکه «داد و دهش» و «داد و دانایی» می‌داند؛ آنجا که می‌گوید: سخن ماند از تو همی یادگار | سخن را چنین خورمایه مدار (بیت ۴۹۲).

«سخن» در شاهنامه معنی‌های متفاوتی دارد. از آن جمله اندیشه، کردار، کلام، داد و دانایی، داد و دهش و… است و برای هر کدام از معنی‌ها شاهدمثل‌های روشنی وجود دارد؛ و چون پس از سفارش به



نظر یونسکو درباره استفاده از گوشی در مدرسه

قاسم رضائی‌راد در توثیتی نوشت: یونسکو اعلام کرد شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد استفاده از تلفن همراه تأثیر منفی بر ثبات عاطفی و عملکرد آموزشی دانش‌آموزان دارد به همین دلیل برای مقابله با اختلال در کلاس، بهبود یادگیری و کمک به محافظت از کودکان در برابر آزار و اذیت سایبری، مدارس استفاده از گوشی همراه را ممنوع کنند.

چرا تلاش می‌کنند قهرمان ایران را حذف کنند؟

کمیل خجسته در کانال تلگرامی خود نوشت: آدم‌ها توسط چسب‌هایی به همدیگر وصل می‌شوند و جامعه و گروه‌ها را می‌سازند. گاهی «هدف» عامل جمع شدن افراد می‌شود، گاهی مشابَهت‌هایی، گاهی «دشمن مشترک» و… خلاصه چیزی که هم‌بستگی بین آدم‌ها را ایجاد می‌کند

مثل یک چسب اجتماعی عمل می‌کند. عنصر مشترک چسب اجتماعی مفهومی به‌نام هویت است. هویت ترکیبی از همین مؤلفه‌های مشترک است که افراد با آن خود را در کنار دیگر افراد جامعه تعریف می‌کنند و موجب هم‌زیستی می‌شود. اگر کسی بخواهد جامعه‌ای را تجزیه کند و آدم‌ها را از هم جدا کند یکی از کارهایش این است که عناصر هویت‌ساز را از جامعه بگیرد. حمله به پرچم، قهرمانان، نمادهای ملی، زبان و… یا تلاش برای حذف و فراموشی آنان مقدمه همین تجزیه و آشفته‌سازی اجتماعی است. جدا از سیاست (که سطحی‌ترین امر اجتماعی است) که بسیار در فوتبال و ورزش مداخله داده می‌شود؛ حتی فرهنگ هم به عنوان زیربنای هویت در فوتبال دخالت می‌کند. از توپ فوتبال رنگین کماتی جام ملت‌های اروپا بگیرد تا بازوبند‌های کاپیتانی رنگین کماتی که به عنوان یک نماد فرهنگی تلاش دارد تا خودش را تبلیغ کند. در همین جام‌جهانی قطر وقتی کشورهای اروپایی با مداخله دولت قطر از بستن این بازوبند‌ها منع شدند وزیر کشور آلمان با همان بازوبند به استاد یوم آمد و در یک فرصت مناسب سوژه مناسب را برای عکاسان خلق کرد. از این طرف هم حاجی شهید فرودگاه بغداد باید حذف شود. چه در اینستاگرام، چه در هر جای دیگری که آدم‌ها می‌توانند او ببینند. چراکه جامعه بدون قهرمان ملی، جامعه بدون افتخار است. جامعه بدون گذشته افتخار آمیز نه می‌تواند آموزش را حفظ کند و نه می‌تواند آینده‌اش را بسازد. جامعه بدون هویت جامعه تجزیه شده و بدون چسب است. نقشه حذف قهرمانان ذیل فروپاشاندن جامعه تعریف می‌شود. هر چند آنها فکر می‌کردند با حذف فیزیکی او کارشان راحت می‌شود اما نمی‌دانستند میلیون‌ها حاجی حالا در قلب‌های دارد.

باران و خون در صورت!

الف.ر. نصرتی در کانال تلگرامی خود نوشت: ایشان رهبر یکی از قبایل سرخپوست لاکوتا است، که در جنگ با ارتش آمریکا شجاعت بسیاری از خود نشان داده و اغلب پیروز میدان بوده است. حتی برخی از مورخین او را همان کسی می‌دانند که در نبرد «بتل فیبگ هورن» به فرمانده مشهور ارتش آمریکا «توماس

کاستر» (مشهور به قاتل سرخ‌پوستان) شلیک کرده و او را از پای درآورده است.

با وجود روحیه خشن و جنگجویانه، این رهبر سرخپوست نام بسیار زیبایی داشت: «باران در صورت». این نام را در دوره جوانی به او دادند، زمانی که در پایان یک جنگ سخت که در هوای طوفانی اتفاق افتاد، صورتش با باران و خون، رنگ شده بود!

«باران در صورت» من را به یاد یک مثل سرخپوستی می‌اندازد که می‌گوید: «اگر چشم اشک نریزد، روح نمی‌تواند رنگین کمان ببیند»

آشنایی با برخی سندروم‌های سازمانی

کانال تلگرامی «کنیک‌های مدیریت» در پستی برخی از سندروم‌های سازمانی را معرفی کرد. آنچه در این پست معرفی شده است به شرح ذیل است:

۱) پارادوکس آلبین: پارادوکس یا تناقض آلبین اشاره به مواقعی دارد که گروهی از افراد در صورت جمعی تصمیمی می‌گیرند که بر خلاف

تعمایلات تمامی افراد گروه است! گاهی اعضا پیشنهادات و نظراتی را می‌دهند و بر سر آن توافق می‌کنند که مدنظر هیچ‌یک نبوده است، و نتیجه بالطبع رضایت‌بخش نخواهد بود.

۲) سندرم «در اینجا اختراع نشده است»: گاهی اوقات برخی تیم‌ها از پذیرش تکنیک‌ها و فناوری‌هایی که خود ایجاد کرده‌اند سسر باز می‌زنند. روانشناسان اعتقاد دارند که در این سندرم، کارکنان سازمان به دنبال مطرح شدن در سازمان بوده و تلاش دارند تا برای خود اعتبار شخصیتی کسب نمایند. در این شرایط کارکنان آن قدر کوچک و حقیر می‌شوند که حتی از انجام بهترین روش‌ها و ایده‌ها امتناع می‌ورزند. این سندرم موجب بسته شدن فضای سازمان می‌شود و روابط سازمان با نهادهای دیگر را دچار خدشه می‌کند.

۳) سندرم غفلت جمعی: گاهی اوقات می‌بینیم که یک موقعیت اضطراری یا ابهام‌آمیز در سازمان به وجود آمده، ولی موقتا دست‌نگه می‌داریم و طوری رفتار کنیم که گویی اتفاقی نیفتاده است و به دوروبر خود نگاه می‌کنیم، بی‌بینیم دیگران چه واکنشی نشان می‌دهند. در چنین وضعی افراد دیگر نیز به همان دلایل طوری رفتار می‌کنند که گویی اتفاقی نیفتاده است و به دوروبر خود نگاه می‌کنند که بیبیند دیگران چه واکنشی نشان می‌دهند. این نمونه‌ای بارز از پدیده غفلت جمعی است که در سازمان‌های دور بر خود نیز کم‌وبیش شاهد آن هستیم.

۴) سندرم سیب لک‌دار: می‌دانیم که اندازه گروه، هدف گروه، استکاء مقابل‌اعضاء گروه به یکدیگر و هویت گروه همگی عواملی هستند که بر چگونگی عملکرد جمعی گروه اثر می‌گذارند. چنانچه عضوی از گروه این عوامل را خدشه‌دار و به آن آسیب برساند، این آسیب به کل گروه سرایت خواهد کرد. همچون سیبی که با نمایان شدن لکه خرابی بر آن، فساد و تخریب در آن گسترش یافته و سیب از بین خواهد رفت. فلذا به‌محض مشاهده فساد می‌توان ابتدا اقدامات درمانی را صورت داد و در صورت تأیید در مان‌ناپذیر بودن آن، باید عضو دچار شده را اخراج تا بیماری کل سازمان را فرانتگیرد.

۵) سندرم سکوت: سکوت کارکنان یعنی اینکه کارکنان از ارائه دانش و اطلاعات خود به دیگران که می‌تواند برای سازمان مفید باشد چه به‌صورت عمدی یا غیر عمدی امتناع می‌ورزند. این امر مغایر با موضوع آشکارسازی و اشتراک دانش و بهره‌گیری از خرد جمعی است که پایه سازمان یادگیرنده را تشکیل می‌دهد و سازمانی که یادگیرنده نباشد در شرایط پر تغییر محیطی، نمی‌تواند برای بقا و توسعه خود تلاش کند و در صورت عدم استفاده از این دانش‌ها، می‌توان شکست سازمان یا بالا بودن هزینه‌های ناشی از تکرار برخی فرآیندهای تصمیم‌گیری و عدم استفاده مطلوب از سوابق تجربی و تصمیم‌گیری‌ها را انتظار داشت. صاحب‌نظران معتقدند که یکی از موانع عمده اشتراک دانش در سازمان‌ها، فرهنگ‌سازمانی موجود است.

تصویر منتخب



▶ **بایز خوانسار | عکاس: سجاد سعادت**
از صفحه توییتری محمد کلهر